

بسم الله الرحمن الرحيم

مرکز تخصصی فقه و اصول النقیسه (ره)

نیمسال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

جزوه سطح سه

رشته فقه و اصول

جواب پرسش عقاید خاصه ۲

استاد: سلیمان

درس ۱۳: بداء

۱. معنی «بداء» از جهت لغوی و اصطلاحی چیست؟ «بداء» از جهت لغوی، به معنی ظهور و ظاهر شدن بعد از مخفی بودن است. و از جهت اصطلاحی به این معناست که آراء و افکار و اهداف کسی به یکباره تغییر می کند. این معنای بدهاء، بیانگر جهل سابق و علم حادث است.

۲. ادله ای که اثبات می کند بدهاء صحیح است چیست؟ الف) دلیل اول: آیه ۳۹ سوره رعد است که می فرماید: خداوند متعال، هر آنچه را که بخواهد ثبت و محو می کند و همه چیز نزد او در ام الكتاب است. ب) دلیل دوم: تشابه بین مساله نسخ در تشریح و بدهاء است. نسخ در تشریح مثل تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به مکه که جمیع مسلمانان، آن را پذیرفته اند؛ و کسی قائل به این نیست که این مساله، مستلزم ثبوت جهل سابق در علم خداست و مخالف علم ازلی خداست. نسخ در تشریح، به عبارتی بدهاء تشریحی است و بدهاء، نسخ در تکوین است با همان استدلال نسخ تشریحی. ج) دلیل سوم: احادیث و آیاتی که فرموده اند: اعمال انسان در سرنوشت او مؤثر است مثل صلح رحم و نیکی به پدر و مادر که موجب افزایش طول عمر می شود و برخی گناهان مثل عاق والدین موجب کاهش عمر می شود و از معروفترین آیات قرآنی آیه ۱۱ سوره رعد است که می فرماید: خداوند متعال، سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان، حال خود را تغییر دهند.

۳. روایاتی از اهل بیت در مورد بدهاء بنویسید. روایتی از امام صادق است که در تفسیر این آیه (خدا هر آنچه را که بخواهد ثبت و محو می کند) می فرماید: خدا هر امری را که اراده می کند، قبل از انجام دادن در علم اوست پس برای خدا بدائی به جهت جهل، رخ نمی دهد. و در حدیث دیگری می فرمایند: کسی که خیال می کند برای خدا اموری هست که در آن به جهت نداشتن علم، بدهاء حاصل می شود؛ از او براءت جویند.

۴. معنای صحیحی از بدهاء را بیان کنید که موجب عمومیت قدرت و اراده خداوند است. از اهل بیت و روایات بسیاری در مورد صحت بدهاء آمده تا با نظریه کسانی که می گویند قدرت و اراده خداوند محدود است؛ مقابله کنند و می فرمایند که قدرت

خدا در تمامی جهات، حقیقتی مطلق است. خداوند در عالم تکوین و تدبیر و خلقت، مقدراتی دارد که این مقدرات موجب سلب اختیار از خدا نمی شوند. مقدرات الهی در یک لوح محفوظ وجود دارد که تغییر ناپذیر است. و لوح دیگری وجود دارد که لوح محو و اثبات است و خداوند از ابتدا مقدر نموده که با اعمال انسان در آن بدها حاصل شود.

۵. عناصر بدها را نام ببرید؟ یک: جهل سابق و علم لاحق. دو: تغییر کردن رای و اغراض و اهداف به تبع علم لاحق.

۶. رابطه بدها و اختیار در خداوند و انسان چیست؟ عقیده بدها به عنوان مکمل عقیده قضا و قدر است. یعنی بدها باطل کننده تفکری است که قدرت و مشیت خدا را به حد معینی محدود ساخته، و این مطلب را اثبات می کند که قدرت و مشیت خداوند حقیقتی مطلق از همه جهات است و قدر الهی به معنای سلب اختیار از خداوند نیست. درباره انسان هم بدها دال بر اختیار اوست. یعنی در قدر الهی لوح محفوظی است که تغییر نمی پذیرد و لوح دیگری که لوح محو و اثبات است و خدا مقدر کرده که از هنگام بدها مطابق با اعمال انسان در دنیا قابل تغییر باشد.

۷. علی رغم وجود این آیه «و لن تجد لسنه الله تبديلا» چگونه می توان بدها را اثبات کرد؟ براساس این آیه، قرآن هر تغییری را از خدا نفی می کند. اما باید حقیقت قرآنی را از کل قرآن استفاده نمود نه بخشی از آن. زیرا بخش دیگری از قرآن هست که تغییر را به خدا نسبت می دهد: «یمحو الله ما یشاء و یشاء» و بدها یعنی خدا بر طبق مقتضای معینی برای بنده تقدیری می کند و بر طبق مقتضایی دیگر تقدیر جدیدی می کند و چنین چیزی محال نیست.

۸. شبهه زیر درباره بدها را پاسخ دهید. وقتی امام یا پیامبر از چیزی خبر می دهند و سپس بدها حاصل می شود و آن خبر محقق نمی شود آن خبر مستند به منبعی بوده است؛ حال که خبر محقق نشده یا منبع صادق بوده و الان خلافش محقق شده یا منبع کاذب بوده که کاذب بودن منبع برای پیامبر و امام امر نامناسبی است.

جواب: این اخبار به لحاظ مقتضای صادق هستند به شرط این که مانعی بروز نکند. خداوند پیامبر را از مقتضای آگاه کرده اما به خاطر وجود مصلحتی که مربوط به بندگان است اراده کرده تحقق مانع در آینده را به او اطلاع ندهد.

درس ۱۴: سجده بر خاک)

۱. سنت رسول خدا در مساله سجده بر خاک را بیان کنید؟ بر مبنای روایات فهمیده می شود که سنت و سیره پیامبر و صحابه ایشان گذاردن محل سجده یعنی پیشانی بر خاک بوده است. روایتی از رسول خدا با که فرموده است: زمین برای من سجده گاه و پاک کننده آفریده شده است. در روایت دیگری از انس بن مالک نقل شده: در شدت گرما با رسول خدا کی نماز می خواندیم، یکی از ما شن را در دست گرفت پس وقتی خنک شد بر زمین گذاشت و بر آن سجده کرد. همچنین اگر رسول خدا کسی را می دید که روی پیچ عمامه اش سجده می کند با دست به او اشاره می کردند که عمامه ات را بالا بیاور و اشاره به پیشانی اش به عنوان محل سجده می کردند. حتی در منابع اهل سنت، احادیثی به صراحت، دلالت دارد بر اینکه اصل سجده در صورت قدرت و امکان، تمام زمین است. و هنگام فقدان عذر، هیچ گریزی از این حکم نیست. برای سجده بر فرش و جا نماز، زیر انداز های بافته شده از کرک و پشم و ابریشم و سجده بر لباس در سنت نبوی هیچ گونه مستند و مجوزی وجود ندارد.

۲. دلیل افضلیت سجده بر خاک را بنویسید. در روایات شریفی امر به خاک آلود کردن، شده است و این امر، اگر دلالت بر وجوب نداشته باشد لاقول دلالت بر افضلیت و مطلوبیت (استحباب) دارد. بنابراین روایات امر کننده به خاک آلود کردن در سجده، رجحان سجده بر خاک زمین را اثبات می کند. یکی از این روایات، روایتی است از ام سلمه علثلا: «پیامبر غلام ما را دید که هنگام سجده می دمد (به زمین فوت می کند) پس پیامبر به او فرمود: ای افلاح! خاک آلود کن» بنابراین سجده بر خاک، بافضلیت تر از سجده بر شن و غیره آن است؛ چه رسد به موارد جدید که در کتاب و سنت مطرح نشده است.

۳. ادله افضلیت تربت امام حسین ع بر سایر تربت ها را بنویسید. با توجه به اصل کلی در موضوع فضیلت و برتری دادن که بر اساس قانون نسبت دهی به خداوند متعال است. نزد محقق زیرک، روشن می شود؛ دلیل برتری خاک کربلای مقدس بر سایر خاک ها مقدار انتساب آن به خدا و میزان احترام خاک کربلا و صاحب آن امام حسین ال نزد خداوند متعال است. خاکی که جایگاه کشته در راه خدا و پسر کشته خداست. پس شایسته است سجده بر خاکی شود که از آن چشمه های خونی جوشیده که به رنگ دوستی درآمده است. البته قرار دادن خاک کربلا به عنوان سجده گاه، نزد شیعه، یک الزام حتمی نیست؛ و آن را واجب شرعی و دینی نمی دانند. شیعه، به لحاظ جایز بودن سجده بر خاک، بین خاک کربلا و خاک های دیگر، تفاوتی نگذاشته است. سجده بر خاک کربلا نزد شیعه، تنها یک استحسان عقلی است و فقط انتخاب چیزی است که نزد عقل و منطق و اعتبار، برای سجده سزاوارتر است. و روایات صحیح و صریح، فراوانی از اهل بیت طلا درباره توجه به این خاک و تبرک به آن و بوسیدن آن و ترجیح سجده بر آن وارد شده است. به خاطر آن است که خاک کربلا به عنوان نماد درخشان درباره حادثه ای بزرگ در اسلام د برگزیده شده است که جنبه های اعتقادی، تربیتی و اخلاقی بزرگی را داراست که ارزش خود را از قیام امام حسین ال و د جاودانگی آن در دل انسان های آزاده گرفته است. زیرا برای محبت او در دلهای مومنان حرارتی وجود دارد.

۴. **دلایل عقلی و نقلی افضلیت سجده بر تربت حسینی را بنویسید.** دلیل نقلی: مجموعه روایت هایی از افراد مورد وثوق شیعه و سنی وجود دارد که اشاره به تقدس خاک کربلا دارد. چرا که زمین کربلا مانند زمین مدینه و مکه با هاله ای از قداست و بزرگداشت احاطه شده است. و راویان گفته اند: « که هنگامی که حضرت امیرالمومنین ع از زمین کربلا عبور می کرد. مشتی از خاکش را برداشت و بوئید و گریه کرد آن چنان که زمین از اشک هایش خیس شده و می فرمود: از این زمین هشتاد هزار نفر محشور شده و بدون محاسبه داخل بهشت خواهد شد.» از امام صادق لا نقل شده که فرمود: « تسبیح فاطمه علیلا دختر رسول خدا و از نخ تابیده شده ای بود که به تعداد تکبیرها بر آن گره خورده بود. و آن را با دست می گرداند؛ در حالی که تکبیر و تسبیح می گفت. تا آنکه حمزه بن عبدالمطلب اله کشته شد. پس فاطمه علی خاک مزار او را استفاده کرد و تسبیح ها را ساخت و مردم نیز از آن خاک (در ساخت تسبیح) استفاده کردند. اما وقتی حسین ۲ شهید شد، امر به سوی او برگشت و به خاطر فضیلت و

مزیتی که داشت، از خاک مزار او استفاده کردند.» دلیل عقلی: زمین ها، بناها و مکانهای منسوب به خداوند متعال دارای ویژگی های خاص، احکام، آداب و روابطی است که برای هر کس که تسلیم خداوند باشد لازم است آنها را مراعات کند. و این قانون نسبت دهی، فقط اختراع شریعت اسلام نیست بلکه در گذشته جریان داشته و اسلام آن را تقریر و امضا کرده است بلکه یک اصل کلی در موضوع «مفاضله» است که شامل تمامی بخش های عمومی منسوب به پروردگار می شود؛ ز شامل پیامبران و رسولان و شهدا و مومنان و... می شود. زمین کربلا و امام حسین نی نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

درس ۱۵: توسل

۱. **معنی توسل از جهت لغوی و اصطلاحی چیست؟** توسل در لغت، به معنای وسیله نزد پادشاه است. وسیله یعنی درجه و نزدیکی. و گفته شده «وسل فلان الی الله» یعنی عملی انجام دهد که با آن عمل به خداوند نزدیک شود. واصل: یعنی کسی که به خداوند ارتباط دارد. پس وسیله یعنی پیوند و نزدیکی. توسل در اصطلاح یعنی اینکه بنده، کسی یا چیزی را نزد خداوند واسطه قرار دهد تا به وسیله او دعایش مستجاب شود و به حوائجش برسد. مانند اینکه خداوند را با اسماء و صفاتش یاد کند؛ و سپس دعا کند؛ که در این صورت اسماء خداوند را وسیله برای استجاب دعا و رسیدن به مطلوبش قرار داده است؛ و به تعبیر دیگر واسطه قرار دادن پیامبران، امامان و صالحان به پیشگاه خداوند برای رسیدن به مقام قرب الهی را توسل می گویند.

۲- **دلایل توسل در قرآن کریم را ذکر کنید.** قرآن کریم بسیاری از مواردی که مردم به پیامبران و اولیاء توسل جسته اند تا به خدا نزدیک شوند را برای ما نقل کرده است و بعد از این توسل ها، دعاهای ایشان مستجاب شده است. آیه ای در قرآن می فرماید: «و به اذن خدا کور مادرزاد و مبتلایان به برص را بهبودی می بخشیم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می کنیم.» این آیه اشاره به مسئله ای دارد که مردم به حضرت عیسی ع متوسل می شدند. اما این توسل، ناشی از این نبوده که مردم اعتقاد داشتند به اینکه حضرت عیسی و قدرت خاصی غیر از قدرت الهی دارد؛ بلکه توسل آنها برخاسته از ایمان آنها بوده به اینکه حضرت عیسی * قدرتی دارد

که با او به اذن خداوند بیماران را شفا می دهد. زیرا او در نزد خداوند، آبرومند است پس این اعتقاد، شرک شمرده نمی شود. زیرا شرک، اعتقاد به این است که حضرت عیسی و قدرتی مستقل از قدرت خداوند داشته باشد؛ که هیچ مسلمانی اعتقاد به چنین چیزی ندارد. در آیه ای از قرآن آمده که پسران حضرت یعقوب * از او خواستند تا در نزد خدا برای آنها طلب استغفار و بخشش کند. یعنی آنها حضرت یعقوب را واسطه میان خود و خدا قرار دادند تا خداوند از گناهان آن در گذرد. به خاطر اینکه حضرت یعقوب ۲ مقرب در نزد خداوند بود و دارایی مقامی بود. و نیز خداوند در آیه دیگری فرماید: که اگر این هایی که به خود ستم می کردند به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد خداوند توبه آنها را قبول می کرد که خداوند توبه پذیر و مهربان است.» و این آیه اشاره دارد به مورد قبول واقع شدن استغفار پیامبر برای مسلمانان چرا که پیامبر در نزد خداوند دارای مقامی بزرگ می باشد.

۳. آیا توسل به ذات انبیاء لا بعد از مرگشان جایز می باشد دلایل آن را ذکر کنید. بله. آیه ای در قرآن وجود دارد که در مورد پیامبر نازل شده که می فرمایند و «رفعنا لک ذکرک» یعنی اینکه ما نام تو را بلند آوازه ساختیم. وقتی خداوند، نام و یاد کسی را رفیع می نماید یعنی او در نزد خدا دارای مقام و منزلتی است. از طرفی خداوند رحمان به مسلمانان دستور داده تا نام و یاد پیامبر او را بزرگ داشته و یکی از کارهایی که به منزله بزرگداشت نام و یاد پیامبر این است، دعا به واسطه یاری جستن از ایشان است. پس کسانی که به او روی می آورند؛ و همچنین کسانی که به او ایمان می آورند، مورد حمایت و یاری پیامبر قرار می گیرند؛ و ایشان واسطه بین آن بنده و خداوند متعال می شود. در روایات آمده: پیامبر گیاه به شخصی یاد داده بود که هر وقت حاجتی دارد اینگونه دعا کند: خدایا از تو درخواست می کنم و به پیامبر که پیامبر رحمت است به سوی او متوسل می شوم. ای محمد ای رسول خدا و من با تو به سوی پروردگارم درباره حاجتم متوسل می شوم تا آنکه برآورده شود. خدایا پیامبر میوه را درباره من شفیع قرار ده.

۴. توسل نزد اهل بیت و چگونه است و دلیل آن چیست؟ در جوامع روایی و کتابهای دعا، دعا و احادیث فراوانی وجود دارد که اهل بیت علی خود توسل می نموده و مردم را نیز به توسل تشویق کرده اند. از جمله روایتی است که پیامبر در دعای خودش چنین دعا می فرموده: «خداوندا من رو بهسوی تو نمودم به واسطه محمد، و خاندان محمد غ. ۲. به وسیله آنها به تو نزدیکی می جویم و آنها را پیشاپیش نیازهایم قرار می دهم». در روایتی دیگر از امام علی ۲ می فرمایند: «خدایا تو را قسم میدهم به حق محمد و خاندان محمد غله و به حق بزرگی تو بر آنها که درود فرستی بر آنها چنان که شایسته هستی و به من عطا کنی بهترین چیزی را که عطا نمودی.» و در روایت دیگری از امام حسین لا که می فرمایند: «خداوندا ما به سوی تو رو کرده ایم در این شامگاه که آن را معین نموده و بزرگداشتی و به واسطه محمد مانی که پیامبر و رسول و برگزیده از میان آفریدگان تو می باشد.»

۵. اشکال مختلف توسل را نام ببرید. توسل با اسامی خداوند، توسل با اعمال شایسته، توسل به دعای پیامبر، توسل به ذات انبیا و صالحان.

۶. آیا توسل در سیره مسلمانان صدر اسلام وجود داشته است؟ با ذکر مثال توضیح دهید. بله سیره مسلمانان در زمان حیات رسول اکرم و بعد از وفات ایشان بر توسل به ایشان و اولیای خدا جریان داشته است. مثلاً رسول خدا به شخصی یاد داده بود که چگونه دعا کند. به این ترتیب که از خدا درخواست نماید، سپس پیامبر را مورد خطاب قرار دهد و به او متوسل شود، سپس از خدا مورد قبول واقع شدن شفاعت پیامبر را درخواست نماید.

۷. اشکال ابن تیمیه به جواز توسل را مطرح کرده و به اختصار پاسخ دهید. ابن تیمیه گفته توسل به مردگان ممکن نیست و به لحاظ عقلی قبیح است؛ زیرا مرده قدرت بر پاسخ دادن ندارد و توسل به مرده صحبت کردن با معدوم است. پاسخ: این اشکال مردود است. زیرا در تعارض با آیات قرآن است که دلالت دارند مرگ از سنخ عدم نیست. علاوه بر این که توسل به غیر خدا جایز است؛ زیرا با اذن و اراده خداست نه مستقل از اراده خدا. پس تفاوتی بین توسل به پیامبر یا اولیای خدا در زمان حیات و بعد از مرگ وجود ندارد.

درس ۱۶: شفاعت

۱. مفهوم شفاعت را توضیح دهید شفاعت به این معناست که شخصی، نزد شخص سومی میانجیگری کند با این هدف که از حقی یا حکمی که بر عهده شخص دوم است؛ گذشت کند. این مفهوم در قرآن هم هست که گاهی آن را رد می کند و گاهی تأیید می کند.

۲. شفیع چه کسی است و چه صفاتی دارد. «شفیع» در واقع همان شخص شفاعت کننده است؛ که میخواهد نفر دوم را در نزد نفر سوم، شفاعت کند؛ تا نفر سوم، عذر او را بپذیرد و کار اشتباه او را نادیده بگیرد. مانند شفاعت پیامبران و ائمه ای برای بنده هایی که خداوند شفاعت را برای آنها قبول می کند. «صفات شفیع»، شفیع، حق ابطال قوانین جزاء و عقاب را ندارد. حق باطل کردن مولویت مولا بر بنده را ندارد. حق ندارد طلب کند که خداوند از احکام و کاری دست بردارد. شفیع، خودش باید تسلیم مولایش باشد؛ و قوانین و احکام را انجام دهد. نقش شفیع، خارج کردن بنده از مولویت مولا و دایره احکام و جزاء نیست؛ و فقط می خواهد بنده را از حکم مولوی به حکم مولوی دیگر داخل کند.

۳. مشفوع لهم چه کسانی هستند و چه شرط هایی باید در آنها باشد. مشفوع لهم» کسانی هستند که شفاعت، شامل آنها می شود. شرایط شفاعت شوندگان: ۱) شفاعت شامل اصحاب یمین می شود که دچار کبائر شده اند. ۲) اصحاب یمین کسانی هستند که خداوند بر شفاعت آنها راضی است. البته از اعمال گناه آلوده آنها راضی نیست. ۳) دین فرد شفاعت شونده شرط اساسی برای قبول شفاعت است. ۴) شفاعت برای اهل معصیت از مسلمانان است و شامل کافران و مشرکین نمی شود.

۴. فرق بین عمل مشرکین و مسلمین در مسئله شفاعت چیست؟ مشرکین، مرتکب مخالفت های اساسی در مقیاس دین می شوند و شفاعت به وسیله ارتکاب به این مخالفت ها از آنها منتفی است. اما مسلمانان مرتکب مخالفت های اساسی نمی شوند و مشمول شفاعت می شوند. اگرچه مخالفت های غیر اساسی از آنها سر می زند.

۵. دو شبهه در مورد شفاعت بنویسید و آنها را رد کنید. شبهه اول: «شفاعت یعنی خداوند از مخلوق خود تاثیر می پذیرد.» جواب: مغفرت الهی اسبابی دارد؛ دعا، توبه و شفاعت. همان گونه که خداوند دعا و توبه را قبول می کند و مغفرت محقق می شود؛ و معنای آن خضوع خالق در برابر مخلوق نیست؛ در اینجا هم فقط معنای شفاعت، افاضه رحمت الهی بر بنده اش است. البته بعد از تحقق شرط، هیچکس شفاعت را بر خدا واجب نکرده است. البته شفاعت، باعث ارتباط مردم با انبیاء و اولیاء می شود و موقعیت آنها را تاکید می کند. پس تا زمانی که خداوند اجازه شفاعت دهد و شفعا را مشخص کند و خصایص و نوع مشفوع لهم را بیان کند جای هیچ اشکالی نیست.

شبهه دوم: «معنای شفاعت وجود دو حکم متفاوت است یکی قبل از شفاعت که آن عذاب است و یکی بعد از شفاعت که نجات و رستگاری است اگر حکم اولی موافق عدل و حکمت است پس شفاعت مخالف آن است و اگر حکم دومی موافق عدل است پس حکم اولی ظلم است.» جواب: این حکم نظائری دارد. مانند: نزول بلا قبل از دعا یا قبل از صدقه دادن یا قبل از صلح رحم و مرتفع شدن بلا بعد از تحقق دعا یا صدقه یا صلح رحم. حکمت در نزول بلا و در ارتفاع آن قائم به این اسباب، با هم است. پس در شفاعت هم اینگونه است و گناه علت تامه برای واقع شدن در عذاب نیست و فقط مقتضای عقاب را دارد. و وقتی خداوند موانعی را برای آن قرار داده که از عقاب، ممانعت می کند؛ مانند: توبه و شفاعت اعمالی که گناهان را می پوشاند. پس زمانی که چیزهای از این قبیل رخ می دهد باعث از بین رفتن اثر گناه می شود. پس حکم خداوند قبل از شفاعت، موافق با عدل الهی است به خاطر عمل بنده که مستحق آن است. و حکم نجات بعد از شفاعت، موافق با رحمت الهی و شفقت و رحمت پروردگار رحمان است.

۶. اقسام شفاعت در قرآن کریم را بیان کنید؟ یک: شفاعت باطل و رد شده که در بردارنده معنای شرک است. مثل مشرکان که بتها را شفیع قرار می دادند. دو: شفاعت صحیح و مورد قبول که به اذن خداوند است.

۷. شروط شفاعت صحیح را نام ببرید. شفاعت با اذن خدا باشد، شفاعت از جانب کسانی باشد که خدا به شفاعت آنها راضی است، شفاعت برای کسانی باشد که خدا به شفاعت شدن آنها راضی باشد. (رضایت و اذن خدا در خود شفاعت، در شفاعت کنندگان و در شفاعت شوندگان)

۸. سبک رایج خداوند در بازگو کردن جلوه‌های قدرت و کمالش چیست؟ آیا در شفاعت هم جاریست؟ سبک رایج در سه قالب نفی کردن، اثبات کردن و افاضه کردن است. در شفاعت هم جاری است. در برخی آیات شفاعت را از غیر خدا نفی می‌کند که غرض از آن انحصار کمال و قدرت در خداست. در برخی آیات شفاعت را برای خدا اثبات می‌کند و غرض بیان این است که ذات الهی به صورت ذاتی به این وصف متصف شده است و آیاتی هم شفاعت را برای غیر خدا اثبات می‌کنند که غرض از آنها این است که خداوند قدرت بر شفاعت را در بالاترین مراحلش دارد و گاه خودش امر شفاعت را به عهده می‌گیرد و گاه در شفاعت تصرف کرده و آن را به بندگان مورد رضایت خود واگذار می‌کند.

درس ۱۷ : (زیارت قبور)

۱. دلیل قرآنی بر جواز زیارت قبور را ذکر نمایید. خداوند رحمان در قرآن به پیامبر ماند و در آیه ۸۴ سوره توبه، دستور می‌دهد که پیامبران و هیچ گاه نباید بر جنازه منافق نماز بگذارد و نباید بر کنار قبر او بایستد، آنجا که می‌فرماید: «هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش،

برای دعا و طلب آمرزش) نیست! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند!» در این آیه، خداوند متعال، برای نابودی شخصیت منافق، به پیامبر، دستور می‌دهد بر جنازه احدی از آنان هیچ گاه نماز مگزار و بر قبر آنان نایست. مفهوم این آیه، چنین است که ایستادن در کنار قبر غیر منافق و طلب مغفرت برای آنها عملی خوب و شایسته است. به بیان دیگر، از این آیه، استفاده می‌شود که این عمل برای مؤمنین، جایز بلکه سیره مسلمانان و عمل رسول خدا بر آن بوده است؛ زیرا اگر در مورد مؤمنین هیچ سابقه ای نداشت و پیامبر و بر سر قبور مؤمنین و مسلمانان حضور پیدا نمی‌نمود این تہی، معنا و مفهوم درست و صحیحی پیدا نمی‌کرد.

۲. دلایل روایی بر استحباب زیارت قبور مومنین را ذکر نمایید. روایات زیادی وجود دارد که مسلمانان را بر زیارت قبور مومنین و همچنین نزدیک شدن به خداوند از راه زیارت قبور آنها تشویق می‌کند. مورد اول روایتی از از بریده نقل کرده که رسول خدا به آنها یاد میداد که هنگامی که به سوی قبرستان‌ها می‌روند چنین بگویند: «سلام بر شما ای مومنان و مسلمانان اهل این

سرزمین و ما هم اگر خدا بخواهد به شما می پیوندیم. از خدا برای خود و برای شما عافیت می طلبیم.» مورد دوم: و از عایشه نقل شده که پیامبر فرمودند: «پروردگرم به من دستور داده تا به بقیع برویم و برای اموات استغفار کنیم. عایشه گفت: چه بگویم ای رسول خدا؟ فرمودند: بگو سلام بر مومنان و مسلمانان اهل این سرزمین. خداوند، کسانی را که در مرگ بر ما پیشی گرفتند و کسانی که پس از ما خواهند بود را رحمت کند؛ و ما اگر خدا بخواهد به پیش شما می آییم و به شما می پیوندیم.» مورد سوم: روایت شده که رسول خدا کی قبر مادرشان را زیارت می کردند. سپس گریه کردند و اطرافیان را به گریه انداختند. پس فرمودند: از پروردگرم درباره اینکه قبر مادرم را زیارت کنم اذن خواستم و خدا به من اذن داد. پس قبرها را زیارت نمایند زیرا مرگ را به یاد شما می آورد.»

۳. دلایل استحباب زیارت قبر پیامبر چیست؟ آیات قرآن و روایات شریف بسیاری به زیارت قبر پیامبران و درخواست نزد او دلالت دارد. افزون بر این که اجماع مسلمانان نسل به نسل از زمان پیامبر تا به امروز چنین بوده و کسی که زیارت قبر پیامبر را انکار می کند وجود نداشته است؛ مگر گروهی که خودشان را وهابی نامیده اند. اما گواهی قرآن کریم به زیارت قبر پیامبر و درخواست نزد قبر ایشان این است که خداوند فرموده است: «اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند و فرمان خدا را زیر پا می گذاشتند به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.» بنابراین در این آیه، خداوند به گناهکاران امر فرموده که نزد رسول خدا حاضر شوند و از او بخواهند تا برای آنها طلب استغفار کند، زیرا دعای پیامبر به درباره آنها مستجاب است. و این آیه مخصوص به زندگانی پیامبر و دوره حضور او در میان مردم نیست. بلکه از این آیه، حکم عام و فراگیری بعد از مرگ نیز، برداشت می شود. زیرا قرآن کریم به زندگی کردن پیامبران و اولیاء الهی در زندگی برزخی تصریح دارد و آنها را در آن عالم بیننده و شنونده قلمداد کرده است. علاوه بر این، روایات شریف فراوانی وارد شده که تصریح دارد به این که فرشتگان سلام کسی که به خاتم پیامبران اسلام کند را به ایشان می رساند. و این که رسول خدا به فرمود کسی نیست که به من سلام کند مگر آنکه خداوند روحم را بر من باز می گرداند تا جواب سلامش را بدهم. و هم و همچنین از ایشان نقل شده است: بر من درود بفرستید زیرا درود شما به من می رسد هر کجا که باشید.

۴. نظر اهل بیت و در مورد زیارت قبور چیست؟ به پیروی از پیامبر نا مستحب بودن زیارت قبرها در روز دوشنبه و سپیده دم شنبه تأکید شده است. چرا که پیامبر در میان گروهی از اصحابش شامگاه پنجشنبه به طرف بقیه خارج می شدند، پس می گفت: سلام بر شما ای اهل این اقامتگاه. سه بار می گفت خدا شما را رحمت کند. در نزد شیعیان، دعاها و زیارتنامه هایی وجود دارد که از اهل بیت را به آنها رسیده است. آنچه که در این زیارت ها مورد توجه قرار گرفته، محتوا و نحوه زیارت ائمه شان می باشد. علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار می گوید: زیارت امین الله از بهترین زیارت ها از نظر سند و متن است. و از جابر از امام باقر لا روایت شده و امام زین العابدین علی با این زیارت جدش امیرالمومنین ع را زیارت کرده است. کسی که به این زیارت نامه ها

توجه کند در می یابد که آنها در پرورش دادن اعتقاد به توحید و استوار کردن توحید، در عقل و جان زائر اثر مهمی دارد. و در این زیارت ها روح ایمان به خدا و گرایش به خدا در ذهن زائر پرورش پیدا می کند.

درس ۱۹: تقیه در شریعت اسلامی

۱. آیات قرآنی که دلالت بر اثبات تقیه در دین می کنند ذکر کنید. سوره آل عمران آیه ۲۸: «مؤمنان نباید به جای مومنان، از کافران دوست بگیرند و هر کس چنین کند از لطف و ولایت خداوند بی بهره است مگر آنکه نسبت به آنان تقیه کنید و خداوند شما را از خویش بر حذر میدارد و بازگشت به سوی اوست.» مورد دوم: سوره صافات آیه ۸۹: «ابراهیم خلیل الله هنگامی که می خواست با مخالفان از شهر بیرون نرود و با بت ها تنها بماند از روی مصلحت می گفت: اینی سقیم (من بیمارم)» مورد سوم: آیه ۶۳ سوره انبیاء: «ایشان پس از شکستن بتها وقتی که بت پرستان با خشم به سراغ او آمدند باز از روی تقیه و مصلحت گفت این کار بت بزرگ است.»

۲. عمل برخی از صحابه که تقیه عمل کرده اند را ذکر نمایید. ابن حزم اندلسی در المحلی می نویسد: از عبدالله بن مسعود شنیدم که می گفت: هیچ صاحب قدرتی نیست که من را به کلامی (تا شایست) وادار کند تا مرا از یک یا دو شلاق دور کند، مگر آنکه من آن سخنان را بر زبان می آورم. ابن حزم در ادامه می گوید: در میان صحابه کسی را سراغ نداریم که مخالف او باشد. تردیدی نیست که به زبان آوردن کلام باطل از ترس سلطان جائز، همان تقیه ای است که پیروان اهل بیت غلبه بر مشروعیت آن اصرار دارند. و از کلام ابن حزم نیز استفاده می شود که تقیه در میان تمامی صحابه امر مشروعی بوده است. تقیه نزد پیشینیان غیر شیعه هم بوده است چنانکه طبری، در ماجرای تفتیش عقاید توسط مأمون که نظر به حدود قرآن را عقیده رسمی و همگانی ساخته بود، تصریح دارد که احمد بن حنبل و دو تن دیگر از رجال و علماء آن زمان از ترس مأمون و از روی تقیه آن نظر را پذیرفتند.

۳. روایاتی را ذکر کنید که تقیه را نزد شیعیان اثبات می کنند. امام صادق فرمودند: «تقیه دین من و دین پدران من است. هر کس آنجا که باید تقیه کند، تقیه نکند مانند کسی است که ما را عملاً به قتل رسانیده باشد.» امام محمد باقر: «تقیه در هر چیزی است که انسان در آن درمانده شود که در این صورت خداوند آن را برای او حلال گردانیده است.»

۴. اقسام تقیه و اهمیت و دلالت آن را بیان کنید. (۱) تقیه کراهیه عبارت است: از عمل کردن بر وفق دستورهای حاکمی جائز به هنگام ضرورت و برای صیانت نفس- (۲) تقیه خونیه عبارت است: از انجام اعمال و احکام بر طبق فتوای رهبران دینی سنی در کشور های سنی نشین. (۳) تقیه مداراتی عبارت است: از رعایت قوانین همزیستی با اکثریت سنی و شرکت در اجتماعات عبادی و اجتماعی آنان برای حفظ وحدت اسلامی و استقرار حکومتی نیرومند که سایه اش بر سر همه مسلمانان به یکسان گسترده باشد.